

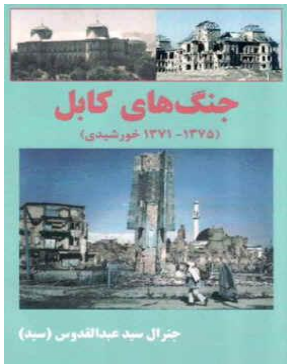


۲۰۱۳/۰۹/۲۴



قمر یلدا کرزی

ما و کتاب جنگ های کابل



جلد اول کتاب جنگ های کابل اثریست از خا مه یک نظامی فرهیخته، سید عبدالقدوس سید که وقایع تاریخی و تداوم جنگ های نفرت بار تنظیم های اسلامی بنام مجاهدین و ملیشه ها را طی سال های (۱۳۷۱-۱۳۷۵) با درد و اشتیاق در (۳۹۰) صفحه به تحریر کشیده است.

همسر که مرد پوهنتون خوانده و شیفته کتاب و مطالعه است وقتی کتاب جنگ های کابل را میخواند، با شور و اشتیاق از محسنات کتاب سخن میگفت، و در ختم نتوانست با بی تفاوتی از کنار آن بگذرد و در زندان فراموشی ها زنجیر زند. به نویسنده نامه نگاشت و کتاب را بعنوان آئینه از تراژیدیها، و صفحات غرقه در خون تاریخ کشور پنداشت، و کار نویسنده را مورد ستایش قرار داد.

من نیز به اشتیاق مطالعه کتاب بی قرار نشانی میدادم، وقتی مطالعه کتاب (جنگ های کابل) را شروع کردم، راستش به باطلاق جنگ های کابل پرتاب شده بودم،

طوفان قلم و طوفان جنگ و جنایت تار و پود وجودم را به جنبش در آورده، در نهادم ریشه می آفرید. طوریکه مرا از خواندن و رهگشودن به متن کتاب باز میداشت. من نیز در ختم مطالعه کتاب نخواستم غم بزرگ بی تفاوتی را بخود نسبت دهم، طی نامه ای کار ستودنی نویسنده را ستودم.

وقتی به صفحات انترنت به جستجو پرداختم، بی درنگ بملاحظه رسید، که چند نویسنده و دانشمند نامدار چون (آقایان داکتر محمد اکرم عثمان، اکادیمیسن سیستانی، داکتر ببرک ارغند، پروفیسور زیار، سراج الدین ادیب، دستگیر نایل، عبد القادر مسعود گل احمد نبی، قیوم میرزاده، نعمت الله ترکانی و شماری دیگر) بر این کتاب نقد و نظر نگاشته، با ستایش آنرا معرفی نموده اند.

من نیز نه بخاطر پر نمودن جای خالی خانم ها در معرفی این اثر، بلکه متأثر از محتوای چشمگیر و تاریخی اش نتوانستم بار سنگین سکوت و خاموشی را بعنوان کسیکه بار ها بکابل سفر نموده، مصایب جنگ را بچشم سر مشاهده ولمس کرده ام، بردوش کشم، از همین رو این سطور علی الرغم نگاه قاهر و ناتوان، معطوف به کتاب جنگ های کابل به تحریر آمد.

اعتقاد بر آنست که در جامعه عقب نگهداشته ما که مایل بحرکت به سمت جلو و رهائی از قید و بند استبداد و تحجر است، ادبیات و تاریخ باید افراد را به شناخت از خود و سرگذشت جامعه نزدیک کند، کتاب جنگهای کابل تا حدی چشمگیر این وجیبه را انجام داده است. ما به نویسنده تبریک و شادباش میگوئیم.

بایستی اذعان کنم، مسئله دیگری که به علاقه ام جهت مطالعه کتاب جنگ های کابل شتاب تازه بخشید، آنست که من در جریان دهه هشتاد خورشیدی بنابر انجام امور یک نهاد کمکی و غیر انتفاعی، جهت مساعدت بر روند تعلیم و تربیه بانوان و دختران، در کابل، لیسه جمهوری در اطراف کابل ایجاد نموده بودم، بار ها به دیدار ویرانه های بجا مانده از جنگ رفته و با چشم تر برگشته بودم.

نخستین باریکه با یک تکسی، به غرب کابل، ساحه دارالامان (جای رئیس) جائیکه، بمثابة بهترین مکان هستی و دوست داشتنی که بستر و آغوش ایام شباب و شوریده گی خانواده ماست، راه گشودیم، وقتی به آنجا رسیدیم، جغرافیای منطقه، کوچه ها، سرک ها، اماکن، باغ ها دگرگون گردیده جنگ همه را منهدم گردانده بود، منزل خود را نیافتم با مشاهده ویرانی ها، و قصه های که از مصیبت رسیده گان جنگ شنیدم، به ابعاد گسترده ویرانی ها و تباهی ها که گوشه های از آن در کتاب جنگ های کابل به تصویر کشیده شده است، پی بردم. من انباشت نفرت چندین ساله مردم، زجر و مصیبت دیده از هیولای جنگ را که هنوز جای شلاقش در ذهن و ضمیر همشریان لانه داشت، و آه، حسرت و ضجه آن به بیرون می ریخت دیدم.

هیولای جهاد بنیادگرایی بیشتر از همه بر غرب کابل، بال گسترده و درب هر خانه را کوبیده بود. و قربانیان خود را از میان بهترین فرزندان وطن، دختران، جوانان، مادران، و پدران انتخاب نموده بود، در پنج سال تداوم جنگ

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښي پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

خانمانسوز، هر سپیده دم، مهاجمان ریشو، و پکول پوش، متعفن از صبح تا شام بر اماکن مسکونی مردم مزارع و باغستانهای دارالامان که نگینی از انگشتر زمردین کابل بود، از چکاد آسمانی آتشگاه معروف آن، از تیغه های شیردروازه، که آفتاب از عقبش طلوع میکرد، از ریشخور و گلپاغ راکت و مرمی های آوان می باریدند، به کشتار و تباهی می پرداختند.

این چشم دید ها را یکبار دیگر در کتاب جنگ های کابل، خوانده و حتی آنرا لمس کردم. نویسنده در نگارش کتاب شیوه خاصی را که تازگی دارد پی گرفته، گوئی با چراغ فروزان ادبیات جنگ، به تاریخخانه های جنگ باشنندگان کابل شتافته است. با زبان شیوا و دل انگیز و توصیف ریالستی حوادث جنگ را توضیح داده است، تا جائیکه آدم جذب حادثه میشود، و با حادثه پیش می رود، اما خود را تنها احساس نمیکند. سیمای نویسنده را در عقب هر ویرانه، هرسنگر و هر موضع جنگی، خون و خاکستر، که پل پای جهنمی نبردهای خونین ومخرب را پیگیری میکند و جنگ و جنگجو، هر دو را نفرین می کند، مشاهده میکند.

در کتاب جنگهای کابل فاکتور های مانند جنگ و صلح، خیر و شر، انسان کشی و انساندوستی در یک جدال دائمی بسر میبرد، نویسنده از هر فرصتی برای محکوم کردن جنگ و جنگسالاران تبهکار، تخطی های صریح حقوق بشری، یغما گری و چپاول گری، قوم و مذهب گرایی که درین جنگ ها اوج بیسابقه حاصل نموده بود، استفاده نموده، برای بیان اندیشه هایش، به دامن ادبیات جنگ پناه برده است.

نثر لطیف و درخشان و دسترسی وی به ادبیات جنگ، که یکی از ژانر های مهم ادبی است او را درین زمینه پیشتاز و طلایه دار کرده است.

اگر به تاریخ نویسی مسایل جنگ، مانند جنگ های کابل، که به قرار احصائیه های معتبر حد اقل یکصد هزار انسان بی گناه را قتل عام کرد، 70 فیصد آبادی ها و خانه های شخصی مردم را تخریب و تمام ثروت های ملی، دفاعی و شخصی را به یغما برد. و خانه، خانه ای همشهری مومن کابل را مورد تجاوز قرار داد و ثروت اندوزی تبهکاران و قومندانان جنگی که متاسفانه هم اکنون در رأس قدرت قرار دارند، توجه شود اهمیت تاریخی این اثر بیشتر نمایان میشود. باید فرزندان افغان، نسل های حال و آینده بدانند، که در شهر کابل، گهواره یک میهن باستانی چه گذشته است. جنایتکاران جنگی کی ها بوده اند و تا حال چه اقدامی عدالت خوا هانه ای با آنها صورت پذیرفته است.

از آنجائیکه هیچ توضیحی گویاتر از واقعیت و حقیقت نیست، کتاب جنگ های کابل اثر، جنرال سید عبدالقدوس سید به سهم عدالت خواهانه خویش توانسته تخطی های صریح حقوق بشری را به تصویر بکشد. جنایات جنگی واقع شده در تداوم جنگ های کابل یک حادثه استثنایی، و فراموش ناشدنی است. گروه های جنگ و قومندانان آنها با قتل و کشتار مردم، دین اسلام را در نقش دین متعصب و خونریز و تهی از معنویت معرفی نموده اند، هرگاه از وراى این واقعیت ها بجنگ های کابل نگاه کنیم، هیچ کس نمیتواند، تبهکاران جنگی، و قاتلان همشهریان بی گناه را از پیگرد قانون در امان نگهدارد.

من در سفر هایم بکابل بوضوح مشاهده کردم که جامعه در گروگان شبکه ای تنیده از ریا و دروغ قرار گرفته، لایه های ضخیمی از تبلیغات متحجرانه و فساد برانگیز، واقعیت ها را کتمان میکنند، و تأسف آور اینست که نسل جوان ازین اکاذیب تغذیه می شوند.

شماری با تقدیس تبهکاران جنگی، با طرز العمل اخلاقی به جنایت، میخوانند خائنین را تطهیر کنند، از آنها بت های خبیث برپا کرده، زیر سایه آن می رقصند. تا زمانیکه جنایت کاران جنگی بپای میز محاکمه کشانده نشوند، و در یک محکمه عادلانه محکمه نگردند جامعه ما روی عدل و انصاف، و حاکمیت قانون و صلح را نخواهد دید.

بهر حال تا کتاب جنگ های کابل را نخوانیم از طنز گزنده ای نویسنده، بر ضد جنگ و تبهکاران جنگی، و نگاه جذاب، و پر مهر او به انسانهای گرافتاده در میدانهای جنگ و قربانیان، معیوبین و معلولین، مطلع نمیگردیم، این کتاب شایسته خواندن، اندیشیدن و حمایت کردن است.

برای نویسنده، پیروزیهای بیشتر، در تهیه جلد دوم کتاب جنگ های کابل، که هم اکنون سه موضوع از جلد مذکور (جنگ افشار - موزیم ها گنجی که مجاهدین نصیب شدند و سرنوشت شگفت انگیز گنجینه های طلا تپه) به صفحات انترنت سپرده شده است خواهانم. دست و قلمش پرتوان باد!

پایان

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ